

فرایند پیشگیری از جرم

غلامرضا محمدنسل*

استادیار گروه حقوق دانشگاه علوم انتظامی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۹/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۱۲/۶)

چکیده:

جرم و ترس از جرم از دغدغه‌های رایج در جوامع مختلف است. تدابیر مختلف در طول زمان برای برخورد با جرم و بی‌نظمی اتخاذ شده است. جز معدودی از کشورهای اسلامی که به تبعیت از سیستم جنایی اسلام توجه قابل توجهی به تدابیر متنوع پیشگیرانه داشته‌اند، در سایر ملل، این تدابیر صیغه واکنشی و سرکوبگرانه داشته و به شکل مجازات ظاهر و از طریق سیستم عدالت کیفری اعمال می‌شده است. در دهه‌های اخیر ناتوانی سیستم دادگستری در حل مشکل جرم و ناامنی بر همگان معلوم شده است. این واقعیت و همچنین هزینه‌های سرسام‌آور اقدامات سرکوبگرانه، سیاست‌گذاران را به استفاده از تدابیر پیشگیرانه وادار ساخته است. اقدامات پیشگیرانه نیز در طول زمان کارآمدی خود در پیشگیری از جرم و حل مشکل جرم و ناامنی نشان داده‌اند. اما موفقیت در امر پیشگیری از جرم، مستلزم تهیه برنامه‌های منسجم و مدیرانه است که تدوین آنها باید فرایندی معینی را طی کند.

واژگان کلیدی:

پیشگیری از جرم، فرایند پیشگیری از جرم، پیشگیری تنبیهی، پیشگیری اصلاحی، پیشگیری مکانیکی، پیشگیری علی.

مقدمه

در برخورد با پدیده جرم و ناامنی دو گزینه اصلی در برابر اولیای امور قرار دارد. گزینه اول، رویکرد سنتی سرکوبی و مجازات است که با شدت عمل و از طریق سیستم عدالت کیفری (شامل دادگاه‌ها و پلیس و سازمان زندان‌ها) پیگیری می‌شود. این رویکرد در اواخر قرن اخیر ناتوانی خود در حل مشکل جرم را آشکارا نشان داده است. گزینه دوم، مقوله پیشگیری از جرم است. به دلیل کارایی بالای این رویکرد در دو دهه اخیر اقبال بسیار به پیشگیری از جرم در جوامع مختلف دیده می‌شود. اما آیا طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه فرایند خاصی دارد؟

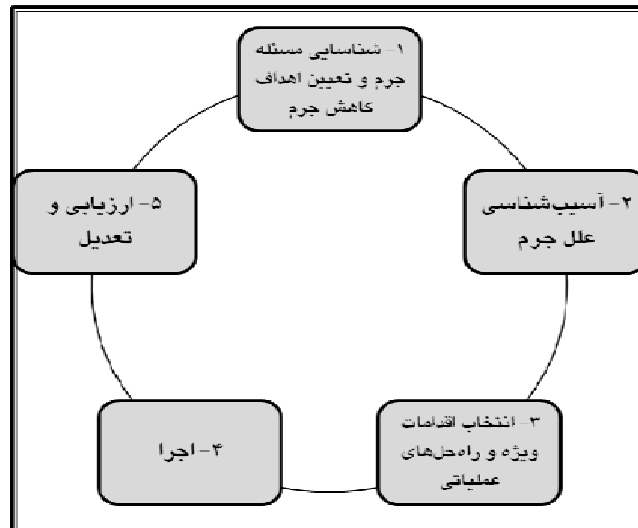
پیشگیری از جرم نوعاً از طریق راه‌حل‌های ثابت و کلیشه‌ای قابل دسترسی نیست، بلکه بیشتر به صورت اجرای اصول اساسی در مراحل مختلف یک فرآیند دیده می‌شود. در سال‌های اخیر نسخه‌هایی از اقدامات پیشگیرانه از قبیل مدل "سارا" (SARA) که مخفف کلمات (Scanning, Analysis, Response, Assessment) و به معنی واریسی، تجزیه و تحلیل، پاسخ و ارزیابی است، ارائه شده‌اند که در پلیس مسئله محور کاربرد دارند. تدابیر منسجم پیشگیری متنوع هستند و برخی از آنها بیشتر نظری و علمی و برخی دیگر جنبه عملیاتی و کاربردی دارند. نگارنده بر همین اساس الگوهای موجود در زمینه فرایند پیشگیری از جرم را به دو دسته (الف) علمی و (ب) کاربردی، تقسیم کرده و مورد بررسی قرار خواهد داد. لازم به ذکر است که ذکر عنوان "الگوی علمی" به معنی غیرعلمی بودن الگوی دیگر نیست و بر عکس نام نهادن "الگوی کاربردی" به الگوی دوم به معنی غیرکاربردی بودن الگوی دیگر نخواهد بود. بلکه، انتخاب این اوصاف صرفاً جهت سهولت در مطالعه است.

الف- الگوی علمی و نظری فرایند پیشگیری

در الگوهای علمی ارائه شده برای پیشگیری از جرم کم و بیش مراحل زیر دیده می‌شود

(Eklom, 2001, PP 4- 5):

۱. شناسایی مسئله جرم و هدف‌گذاری؛
 ۲. آسیب‌شناسی علل جرم؛
 ۳. انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه‌حل‌های عملیاتی و کاربردی؛
 ۴. اجرا راه‌کارهای پیشگیرانه؛
 ۵. ارزیابی و تعدیل نتایج اجرای برنامه.
- شکل شماره یک این مراحل را نشان می‌دهد. اینک هر یک از این مراحل را به اختصار توضیح می‌دهیم:



شکل شماره یک- فرایند پیشگیری از جرم

مرحله اول- شناسایی مسئله جرم و تعیین اهداف کاهش جرم

نخستین مرحله از فرایند پیشگیری، مسئله‌یابی و به بیان دیگر، تعیین الگوی خطر جرم است. این کار از طریق تجزیه و تحلیل الگوی جرم یا هدف‌گیری بزهکاران، صورت می‌گیرد. در تجزیه و تحلیل هر جرمی سه مقوله متفاوت بررسی می‌شود. این مقوله‌ها عبارتند از:

- ۱- مطالعه فضای جغرافیایی بزه مورد نظر؛
 - ۲- تحلیل ساختار جرم و مباشران و بزه دیدگان آن؛ و
 - ۳- تحول در نوسانات جرم مذکور در دوره زمانی معین.
- هدف نهایی اقدامات پیشگیرانه ممکن است کاهش جرم یا محدود کردن آن یا جلوگیری از رشد آن باشد. در طرح ریزی پیشگیری، باید از اهداف کلی و مبهم صرف‌نظر کرده و هدف را با کمال واقع‌بینی و بطور دقیق مشخص و شاخص‌های ریسک را معین کرد.
- محدودیت منابع اقتضا می‌کند که آماج پیشگیری از میان اشخاص و اموال در معرض خطر بیشتر جرم انتخاب شوند. بر همین اساس، اشخاص و اموال آسیب‌پذیر در اولویت پیشگیری قرار می‌گیرند. الگوی طب پیشگیری که بطور گسترده در پیشگیری از جرم مورد استفاده قرار گرفته است، سه رویکرد در مورد هدف‌گذاری شیوه‌های مداخله را ارائه می‌کند:
- پیشگیری اولیه- از طریق تمرکز بر کل جمعیت یا بزهکاران بالقوه، یا تمرکز بر موقعیت‌های بالقوه جرم یا اشخاص و اموال آماج جرم؛

- پیشگیری ثانویه - یعنی تمرکز بر اشخاص در معرض خطر خاص بزه‌دیدگی، تمرکز بر آماج تحت خطر بزه‌دیدگی یا اماکنی که در خطر صحنه جرم شدن، قرار دارند؛
 - پیشگیری سومین - یعنی تمرکز بر محکومان یا بزه‌دیدگان قبلی یا اهداف و صحنه‌های جرائم موجود (ارتباط با مفاهیم بزه‌دیدگی مکرر، بزهکاری مکرر و نقاط جرم خیز که عموماً رویکردی بسیار اثربخش به هدف‌گذاری منابع کمیاب مالی است).
- نیازی نیست که موسسات یا اشیا هدف‌گیری شده به سطح فردی محدود شوند - خانواده‌ها، گروه‌های معاشرین، موسسات، جمعیت‌ها و غیره می‌توانند هدف‌گیری شوند، بدانگونه که الگوی "سطوح اجتماعی" در ذیل توضیح داده است. البته، راهبردهای هدف‌گیری جایگزین، مزیت‌ها و ایرادهای قابل توجه خواهند داشت و بستگی به مسئله جرم و شیوه کاهش آن بستری گسترده‌تر خواهد داشت. مسئله شایع، سبک و سنگین کردن اثربخشی هدف‌گذاری در مقایسه با بدنامی حاصل از آن است. هدف‌گیری یک منطقه مسکونی یا اشخاص خاص به عنوان بزهکاران بالقوه ممکن است بسیار اثربخش باشد، اما در مقابل می‌تواند بدنامی و برچسب خوردن محله را به دنبال داشته باشد. هدف‌گذاری باید منصفانه بوده و احساس بی‌عدالتی را موجب نشود. به عنوان مثال در صورتی که ساکنان یک منطقه امنیت محلی بیشتر دریافت کنند یا گشت‌های پلیسی بیشتری در محل‌شان انجام شود، ساکنین مناطق مجاور که نرخ جرم مشابه دارند، ممکن است برآشفته شوند. البته، این قبیل مسائل باید به نحوی راهبردی از طریق بررسی، مشاوره و طراحی فرآیند اجرا، برخورد شود، اما مسائل بیشتر برای بررسی در سطح مستقیم اجرایی وجود خواهد داشت (Ekblom, 2001, pp 8-9).

مرحله دوم - آسیب شناسی علل جرم

دومین مرحله از فرآیند پیشگیری، تعیین علل جرم است. برای شناسایی علل جرم از نظریات جرم‌شناختی استفاده می‌کنیم. علل جرم را می‌توان به علل بلاواسطه و علل بعید تقسیم کرد. به موجب نظریه تقارن فرصت مجرمانه (The Conjunction of Criminal Opportunity)، جرم محصول تاثیر عللی بی‌واسطه است که جمع شدن آنها در کنار یکدیگر، موجب وقوع آن می‌شود. در تحقق انواع جرائم، یک بزهکار آماده، انگیزه‌مند و توانا از طریق دسترسی به یک هدف آسیب‌پذیر و جذاب برای جرم، در یک محیط مساعد و در غیاب پیشگیران انگیزه‌مند و لایق، به دنبال یافتن یا ایجاد موقعیت مجرمانه است. علل بعید جرم متعدد هستند و بسیاری از علل فردی و اجتماعی و محیطی را در بر می‌گیرد، لیکن این دسته از علل، از طریق علل قریب جرم عمل می‌کنند. علل قریب جرم را به ۱۱ عنوان تقسیم کرده‌اند. به نظر اکبلوم، این علل گاهی از ناحیه فرد بزهکار و زمانی نیز از موقعیت ناشی می‌شوند:

دسته اول- عوامل مرتبط با فرد بزهکار

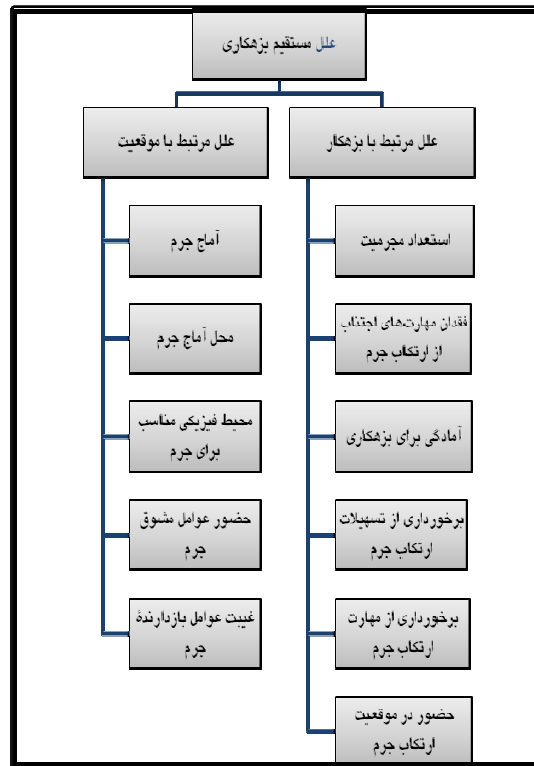
اکبلم این عوامل را به شش دسته به نحو زیر تقسیم کرده است:

۱. استعداد مجرمیت (یا ظرفیت بزهکاری)- یعنی تاثیرات دراز مدت و منحصر به فردی که افراد را مستعد ارتکاب جرم می‌کند؛
۲. فقدان مهارت‌های اجتناب از جرم- خواه مهارت‌های احتراز از ناسازگاری و خواه مهارت‌های تامین معاش از طرق مشروع؛
۳. آمادگی برای بزهکاری- تاثیرات کوتاه مدت- انگیزه‌ها و حالت‌های هیجانی ناشی از زندگی روزمره (مانند نیاز مالی، اضطراب)، کشمکش‌ها، تاثیر مواد مخدر؛
۴. تسهیلات ارتکاب جرم- مهارت، جسارت، شناخت آماج جرم و شناخت شگردهای ارتکاب جرم، دسترسی به ابزارهای ارتکاب جرم مانند اسلحه و دسترسی به شبکه همدستان؛
۵. پیش بینی و درک خطر، برآورد تلاش لازم برای ارتکاب جرم، شناخت منافع جرم و توانایی سرکوب وجدان؛
۶. حضور در موقعیت ارتکاب جرم و دسترسی آسان به آماج جرم.

دسته دوم- عوامل مرتبط با موقعیت جرم:

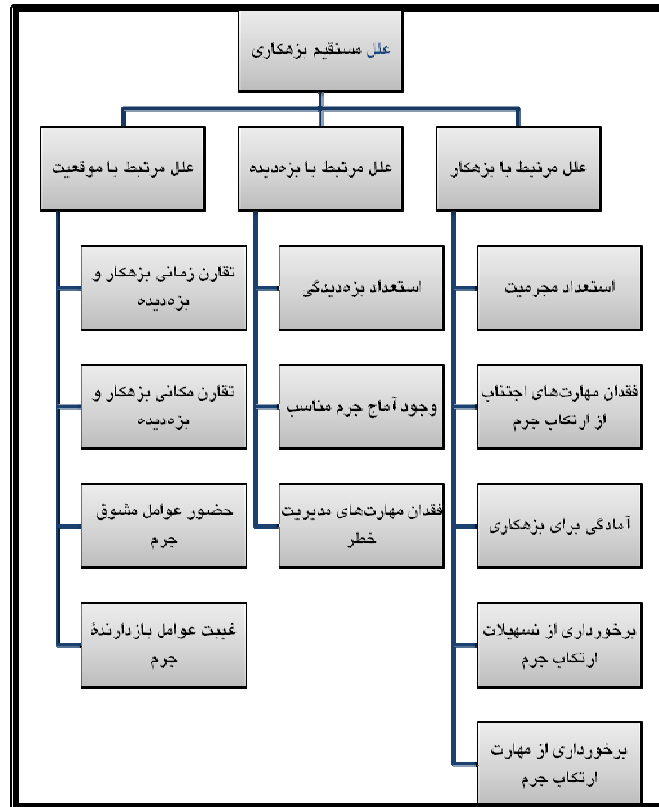
اکبلم پنج عامل زیر را مرتبط با موقعیت دانسته است:

۷. آماج جرم- که شامل شخص یا مالی است که آسیب‌پذیر، حمایت‌کننده یا جاذب جرم هستند؛
 ۸. محل آماج جرم- شامل ساختمان، اطاق یا کانتینری که در برابر عملیات اجرایی جرم آسیب‌پذیر بوده و وسایل ارزشمندی در آن وجود باشد؛
 ۹. محیط فیزیکی مناسب برای جرم- که از نظر عقلانی و تاکتیکی برای بزهکاران مطلوب و برای پیشگیران جرم نامطلوب بوده و می‌تواند جاذب جرم بوده یا انگیزه برای ارتکاب ایجاد کند؛
 ۱۰. غیبت پیشگیران جرم- یعنی غیبت اشخاص یا سازمان‌های رسمی یا غیررسمی که مانع ارتکاب جرم شوند.
 ۱۱. حضور عوامل مشوق جرم یعنی عواملی که وجود آنها احتمال ارتکاب جرم را بیشتر می‌کند (خواه سهواً، خواه از روی بی احتیاطی و خواه از روی عمد)، به عنوان مثال با تامین وسایل ارتکاب جرم، یا ارائه اطلاعات یا سایر خدمات قبل یا پس از وقوع جرم.
- (Ekblom, 2001, pp 5-6). شکل شماره دو نمایشگر خلاصه نظرات اکبلم است.



شکل شماره دو - علل مستقیم جرم از نظر اکبلم

به نظر نگارنده این تقسیم بندی خالی از ایراد نیست زیرا اکبلم علل جرم را به دو دسته اصلی یعنی علل مرتبط با بزهکار و علل مرتبط با موقعیت تقسیم کرده است و این در حالی است که مطابق نظریه فعالیت روزمره، مثلث جرم از بزهکار و بزه‌دیده و موقعیت جرم تشکیل می‌شود. اما به دلایل نامعلومی اکبلم عوامل مرتبط با بزه‌دیده را در دسته‌بندی خود دخیل نکرده است و این در حالی است که تحقیقات انجام شده در رشته جدید بزه‌دیده‌شناسی (Victimology) حاکی از اهمیت فراوان نقش خود بزه‌دیده در تکوین جرم است. نوعاً خصوصیتی در آماج جرم وجود دارد که موجب انتخاب آنها به عنوان آماج بالفعل جرم از میان انبوه آماج بالقوه جرم می‌شود (شکل شماره سه).



شکل شماره سه - علل مستقیم جرم از نظر نگارنده

مرحله سوم - انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه‌حل‌های عملیاتی کاربردی (مداخله)
 برنامه‌ریزان پیشگیری مجبورند با آسیب شناسی علل جرم، نحوه و زمان مداخله‌های پیشگیرانه را انتخاب کنند. اقدامات پیشگیرانه موجب از هم گسیختگی تقارن فرصت جرم شده، خطر وقایع مجرمانه را کاهش داده و در صورتی که همه چیز به خوبی پیش برود، شمار وقایع مجرمانه را که در عمل اتفاق می‌افتند، کاهش می‌دهند. تدابیر پیشگیرانه برای مسائل و زمینه‌های خاص محلی تهیه و بومی‌سازی شوند. تدابیر پیشگیرانه می‌توانند از میان انواع پیشگیری یا تلفیقی از آنها انتخاب شوند (Ekblom, 2001: 5-6).

"اکبلوم" تدابیر پیشگیرانه را به ۱۱ دسته تقسیم کرده که هدف نهایی آنها ممانعت، تضعیف یا حتی اگر لازم باشد، انحراف مسیر وقوع جرم است (همانند طرح‌های اوان کودکی). مداخله یک راه بالا دست (در مقابل راه‌های پایین دست)، پیشگیری از جرم است (Ekblom, 2001: 5-6).

فضای مداخله: پیشگیری از جرم و تقارن فرصت جرم

علل بلاواسطه جرم	مداخله در علل جرم
رواج دهندگان جرم	دلسرد کردن یا بازداشتن رواج‌دهندگان جرم و بیدار کردن وجدان آنان با اقداماتی نظیر نام بردن و شرم‌نده کردن آنان، اعمال مسئولیت مدنی، حمله به خرده فرهنگ مجرمانه، کنترل روند جرم یا کاهش تقاضای جرم.
پیشگیری کنندگان جرم	حمایت از پیشگیری‌کنندگان جرم از طریق تقویت حضور، هشیاری، کفایت، انگیزش و مسئولیت آنان، خواه از طریق کنترل رسمی (نظارت، کنترل دسترسی) یا نظارت غیررسمی.
محیط	طراحی و مدیریت محیطی از طریق روش‌هایی مانند کمک به نظارت، حل مناقشه‌ها و وضع مقررات.
حصارکشی آماج جرم	کنترل دسترسی و امنیت پیرامونی.
آماج جرم	سخت‌تر کردن هدف، جابجایی هدف، کاهش ارزش هدف.
حضور شخص بزهکار در موقعیت جرم	محروم کردن یا منحرف کردن بزهکاران از موقعیت‌های جرم (به عنوان مثال دور نگه‌داشتن جمعیت کودکان از شیرینی فروش‌ها، قرار دادن بزهکاران تحت مقررات خاموشی شبانه، محروم کردن مدیران فاسد شرکت‌ها از امور تجاری).
پیش‌بینی خطر، تلاش و پاداش ناشی از جرم	ارباب- افزایش خطر و هزینه دستگیر شدن؛ دلسرد ساختن بزهکاران از طریق اقناع آنان به زیاد بودن تلاش لازم برای ارتکاب جرم و پایین بودن منافع ناشی از جرم؛ بیدار کردن وجدان که می‌تواند سبب پیش‌بینی و احتراز از درد و شرم ناشی از بزهکاری شود.
منابع جرم	محدود کردن منابع جرم- کنترل سلاح، ابزار و اطلاعات مربوط به آماج جرم و انتقال شگردهای مجرمانه.
ظرفیت بزهکاری	تغییر شرایط زندگی از جمله مسائل مربوط به الکل و مواد مخدر، آرام کردن عوامل محرکی مانند مسکن فقیرانه و کاهش کشمکش‌ها.
منابع احتراز از جرم	آموزش مهارت‌های اجتماعی و شغلی به بزهکاران.
بزهکاری (زمینه)	مداخله از اوان کودکی برای کاهش رویارویی با عوامل خطرناک و گسترش عوامل حمایتی شناخته شده از طریق خانواده، مدرسه و معاشرین؛ زمینه‌سازی برای برخورد درمانی با محکومین.

جدول شماره یک- انواع مداخلات پیشگیرانه از نظر اکتیو

شیوه‌های انفرادی پیشگیری می‌توانند با مجموعه تدابیری که علل گوناگون جرم خاص یا علل شایع مسائل گسترده جرم را مورد حمله قرار می‌دهند، ترکیب شوند. این رویکرد کلی‌نگر، موجب هم‌افزایی نیرو و کارآمدی شده است، لیکن این دیدگاه باید بسیار خاص باشد

و از انجام ابتکارات کلی در مورد اهداف غیرصریح و بی‌مقصد احتراز شود (Ekblom, 2001: 7-8).

مرحله چهارم - اجرای تدابیر پیشگیری

اجرای پیشگیری شامل هدف‌گذاری و انجام برنامه است. یعنی انجام اقدامات مناسب در خصوص علل جرم به روشی کارآمد، اثربخش، پایدار و قابل قبول که نیازهای معین و اولویت‌دار بزه‌دیدگان و جامعه را مورد هدف قرار دهد.

پیشگیری‌کنندگان رسمی یا اداری از جرم مانند فرمانداری‌ها و نمایندگان آنها و شرکای محلی، به تنهایی نمی‌توانند به وظیفه خود عمل کنند بلکه باید با بسیج سایر موسسه‌های عمومی یا خصوصی و شهروندان عادی علاقمند به ایفای نقش‌های ویژه در کاهش جرم، اقدام کنند. این نقش‌ها می‌توانند مداخلات مستقیم در علل جرم یا تسهیل مداخلات سایرین (از طریق انگیزش و توانا ساختن آنها یا کم کردن محدودیت‌ها) را شامل شوند.

عده‌ای مقام صالح برای پیشگیری را خود مردم می‌دانند. این افراد مردم را به دو گروه تقسیم می‌کنند: گروه اول کسانی هستند که در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی هستند و گروه دوم را مابقی اعضای جامعه تشکیل می‌دهند. بدیهی است که جمعیت در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی، باید در پیشگیری شرکت داده شوند اما مشارکت آنان باید تعریف شده و سازمان‌دهی شده باشد. به طوری که جای سوء استفاده فراهم نشود. زیرا چنانچه بر مشارکت این دسته از جمعیت و مردم در پیشگیری مقرراتی وضع نشود، موارد سوء استفاده رایج می‌شود مثلاً عده‌ای به بهانه دفاع شخصی پا را از دفاع مشروع فراتر خواهند نهاد و خود به بهانه دفاع در برابر جرم، مرتکب جرم خواهند شد.

برای تنظیم تلاش‌های طولی برای پیشبرد این نقش‌ها، نیازمند تاثیرگذاری بر کسانی نیز هستیم که تصادفاً یا از روی بی‌احتیاطی، جرم را با فعالیت‌های روزمره شخصی، عمومی یا اقتصادی خود ترویج می‌دهند.

جا انداختن برنامه‌های پیشگیرانه در جامعه مستلزم تدابیری است که حرف اول آنها به اختصار با عنوان (CLAMED) بیان می‌شود و ابعاد زیر را در بر می‌گیرند:

- **شفاف‌سازی وظایف کاهش جرم.** این کار باید از بیرون به درون صورت گیرد. این وظایف می‌توانند شامل شفاف‌سازی خود اقدامات یا شفاف‌سازی نحوه کمک به سایر اشخاص اقدام‌کننده از طریق ارائه پشتیبانی یا فایق آمدن بر موانع، شوند.
- **استقرار نهادهای پیشگیرانه - شناسایی موسسات و اشخاصی که به دلیل تخصص‌های موجود، نیروی انسانی، قرار گرفتن در مکان مناسب یا شمول در مرحله‌ای کلیدی از فرآیند مربوطه و تنظیم مسئولیت‌ها و منافع خود با وظایف کاهش جرم مورد نظر،**

ظرفیت انجام موثر و قابل قبول وظایف کاهش جرم را داشته باشند (یافتن موسسه‌ای که برای انجام مسئولیت‌های خود نیاز به راهنمایی مختصر دارد بهتر از موسسه‌ای است که برای انجام مسئولیت‌های خود نیاز به انگیزش و ضمانت اجرایی و حمایت کلان از خارج داشته باشد). پس از استقرار نهادهای پیشگیری، مراقبت از همکاری آنها و افزایش عملکرد آنان در تعقیب اهداف طراحی شده لازم است، از طریق:

- **اخطار به جامعه** در مورد مشکل جرمی که ممکن است خود یا سایرین تحت تاثیر آن قرار گیرند. اخطار در مورد اینکه ممکن است خواسته یا ناخواسته به علل جرم کمک کنند و یا بتوانند به حل مشکل جرم کمک کنند.
- **انگیزش نهادهای پیشگیری در راستای انجام وظیفه کاهش جرم** - از طریق پذیرش و باور ارزش‌ها، خودباوری در رسیدن به آنها یا قبول مشوق‌های خارجی و ضمانت اجراهای مرتبط با انجام مسئولیت‌ها و وظایف، تبعیت از استانداردها، اجتناب از تعارض و غیره.
- **تقویت نهادهای پیشگیری** - بنای ظرفیتی توانمند با ارائه قابلیت (کمک‌های مهارتی و تکنیکی)، ارائه منابع اجرایی (مانند بودجه، کارکنان و اطلاعات و اختیارات مناسب قانونی)؛ سبک کردن محدودیت‌ها، اما در عین حال تضمین کنترل و تعادل در راستای محدود کردن فعالیت‌های پرطرفدار.

- **هدایت نهادهای پیشگیری** (در صورت لزوم)، برای دنبال کردن رهنمودهای خاص، انتخاب اهداف بخصوص یا انجام فعالیت‌های ویژه. (Ekblom, 2001, pp 9-10).

برای موفقیت در زمینه اجرای تدابیر پیشگیرانه، مجریان برنامه نیازمند شناخت لایه‌هایی از اجتماع هستند که با آن سر و کار دارند، زیرا یک جرم خاص ممکن است در یک لایه ظاهر شود اما علل آن ممکن است در جرم دیگر اثر کرده و راه‌حل‌ها متفاوت را بطلبد. به عنوان مثال، ایراد صدمه در حال مستی که منجر به جراحت می‌شود ممکن است در جمعیت خیابان‌ها تاثیر گذاشته و سیاست‌های مربوط به صدور مجوز برای مراکز تفریح عمومی را تعیین کند.

بسیاری از این "برنامه‌های کاهش جرم در جامعه"، جامعه‌محور هستند. جامعه می‌تواند با نقش‌های زیر نمایان شود:

- به عنوان بستر فیزیکی یا اجتماعی یا محیطی برای جرم؛
- به عنوان آماج برای جرم (به عنوان مثال در صورتی که محلی مورد حمله واقع شود)؛
- به عنوان منبع اقدامات پیشگیرانه (اعمال مربوط به مجموعه دفاع شخصی، کنترل غیررسمی اجتماعی، میانجیگری در دعاوی)؛

- به عنوان زمینه‌ی پیشگیری که می‌تواند به وقوع جرم کمک کرده یا مانع از جرم شود (به عنوان مثال با نگرش خصمانه نسبت به پلیس)؛
 - به عنوان منبع هوشیاری، انگیزش و تقویت پیشگیران جرم (مثلاً یک گروه مراقبت از محله)؛
 - به عنوان ابزار اجرای شیوه‌های پیشگیری از جرم (مثلاً کمک به همسایگان سالمند جهت علامت‌گذاری اموال یا هشدار به آنان در مورد خطرات سرقت به عنف و حمایت از بزه‌دیدگان)؛
 - به عنوان کانون بزه‌کاران (مثلاً بسیاری از اشخاص پرخطر در آنجا زندگی کنند) و مروجین جرم (خرید و فروش اموال مسروقه، بازار تسهیلات جرم مانند اطلاعات یا اسلحه)؛
 - به عنوان علل اجتماعی جرم (مثلاً با ایجاد یک خرده‌فرهنگ قانون‌گریز، یا پرورش جامعه‌ای با تضاد درونی).
- بسیاری از این جنبه‌های جامعه می‌توانند با مفهوم در حال توسعه سرمایه اجتماعی مرتبط شوند. این واژه به عنوان خصیصه‌ای از نهادهای اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد تعریف شده است که هماهنگی و همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند. یک مفهوم مرتبط با این پدیده، سودمندی اجتماعی است یعنی توانایی جامعه برای کنترل مولدهای جرم و سطوح اعتماد، احترام و ارزش به خود در داخل و بین اعضای جامعه که آنان را قادر به انجام امور می‌کند (Ekblom, 2001: 10-11).

مرحله پنجم - بازخوردگیری، نظارت و ارزیابی

- آخرین مرحله از فرآیند پیشگیری (یعنی ارزیابی و تعدیل) از منظر وسیع مدیریتی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. چند نوع فعالیت کاهش جرم وجود دارند که باید مدیریت شوند:
- خدمات روزمره - مانند گشت‌زنی، ارائه رهنمودهای پیشگیرانه از جرم، یا انجام تعلیق مراقبتی؛
 - عملیات موردی - مانند هدف‌گیری بزهکاری خاص یا ریشه‌کنی یک جرم بخصوص؛
 - طرح‌ها یا برنامه‌های سازمان‌یافته کاهش جرم که مسئله جرم یا بی‌نظمی محلی خاص را در زمان خاص و اغلب از طریق اجرای یک یا چند شیوه پیشگیری مورد هدف قرار می‌دهند. برخی طرح‌ها ممکن است مجموعه تدابیری را شامل شوند (یعنی مجموعه‌ای از طرح‌های مرتبط به هم را در بر گیرند که طیف وسیعی از علل یا شاید

مجموعه‌ای کلی از علل مشترک در شماری از مسائل جرم در یک منطقه را مورد هدف قرار می‌دهند).

مدیریت می‌تواند در دو سطح راهبردی یا تاکتیک مورد بررسی قرار گیرد. سطح راهبردی یا فرآیندی با بررسی جرم و نقشه‌های مداخله آغاز می‌شود و سطح تاکتیک مدیریت طرح‌های موردی کاهش جرم تحت یک راهبرد وسیع‌تر را در بر می‌گیرد. هر یک از این سطوح ترتیبات متفاوتی را برای مدیریت می‌طلبند (Ekblom, 2001: 10-11).

علی‌الاصول، برنامه‌های پیشگیری از جرم در ظاهر امر، امیدوارکننده هستند، اما این پیش‌داوری صحیح نیست، زیرا حتی اگر تمام پیش‌بینی‌ها هم در برنامه ریزی و طرح ریزی پیشگیری لحاظ شده باشند، لیکن باز هم ممکن است در مرحله اجرا با شکست مواجه شود. لذا لازم است که ارزیابی برنامه‌های پیشگیری به صورت علمی صورت گیرد. اصولاً تمایل سازمان‌های دولتی و اداری به این است آثار مثبت برنامه‌های خود را پررنگ‌تر جلوه دهند. به همین جهت بهتر است که برای ارزیابی برنامه‌های پیشگیرانه از افراد متخصصی غیر از مجریان آن برنامه‌ها استفاده شود.

شاخص‌های مختلفی برای سنجش نتایج اجرای برنامه‌های پیشگیری ارائه شده است. یکی از شاخص‌های سنجش، کاهش یا توقف یا محدود شدن بزهکاری است. این شاخص با ملاحظه نرخ جرائم قبل و بعد از اجرای برنامه قابل دسترسی است. البته تکیه به آمار ظاهری جرم به تنهایی کافی نیست بلکه بایستی از مکانیسم‌های سنجش نرخ واقعی جرائم نیز بهره جست.

شاخص دیگر، تغییر رفتار مردم و ملاحظه تغییر ظرفیت‌های مجرمانه و وضعیت‌های ما قبل بزهکاری است. در قضاوت نسبت به نتایج پیشگیری تعجیل نباید کرد زیرا ممکن است در بدو اجرای برنامه، جرم کاهش پیدا کند لیکن پس از مدتی با پدیده جابجایی و تغییر یا تبدیل جرم یا سایر پدیده‌های جنبی روبرو شویم. مثلاً پس از اجرای تدابیر پیشگیری وضعی در مورد سرقت خودرو، ممکن است در کوتاه مدت، سرقت خودرو کاهش پیدا کند و ما با ملاحظه کاهش مقطعی جرم، تصور کنیم که برنامه پیشگیری موفقیت‌آمیز بوده است اما پس از مدتی متوجه شویم که جرم به محل دیگری جابجا شده یا از سرقت خودرو به سرقت وسایل داخل خودرو یا سرقت از منازل و مغازه‌ها تبدیل شده است.

توصیه شده است که ارزیابی و سنجش برنامه‌های پیشگیری به صورت دوره‌ای انجام شود مخصوصاً در صورتی که برنامه پیشگیری طولانی باشد، طراحان برنامه باید بطور منظم و دوره‌ای نمونه‌برداری کرده و نتایج را ارزیابی کنند. بدیهی است که این ارزیابی‌های دوره‌ای به

متخصص پیشگیری امکان می‌دهد که جرح و تعدیل‌های موضعی برای اثربخش‌تر کردن برنامه انجام دهد.

در سنجش پیشگیری، متخصص پیشگیری در صدد است که "هزینه‌های" طرح را با "منافع" آن مقایسه و تجزیه و تحلیل کند. ارزیابی میزان نفع حاصل شده نسبت به هزینه‌های انجام شده به برنامه‌ریزان کمک موثری در تصمیم‌گیری نسبت به توقف یا ادامه یا اصلاح برنامه، خواهد کرد. بدیهی است که هدف این سنجش و ارزیابی، انطباق دستاوردهای حاصله با انتظارات و اهداف پیشگیری است. نباید پیشگیری را پیشاپیش موفقیت‌آمیز یا شکست خورده بدانیم.

ب- الگوی عملیاتی فرایند پیشگیری

الگوی عملیاتی قدری اجرایی‌تر و کاربردی‌تر از الگوی علمی است. این الگو در ده مرحله ذکر شده است که هر یک از این مراحل به ترتیب ذکر و توضیح مختصری نیز در مورد آنها داده خواهد شد.

مرحله اول) تعریف مسئله- "در حال حاضر در چه موقعیتی هستیم؟"

باید درک روشنی از مسئله وجود داشته باشد. این درک باید بیشتر مبتنی بر تجزیه و تحلیل باشد تا حدس و گمان. لازم است که حتی در این مرحله نیز سطحی از تمرکز وجود داشته باشد. به عنوان مثال، آیا مسئله جرائم مرتبط با سرقت خودرو است یا جرائم انجام شده بر روی خودروها در پارکینگ‌ها و غیره؟

مرحله دوم) تعیین اهداف روشن- "به کجا می‌خواهیم برسیم؟"

اقدامات انجام شده در نیروهای پلیس حاکی از آن است که مشکلات بارزی در تعیین اهداف در درون ادارات پلیس وجود دارند. هر یک از اهداف برنامه‌های پیشگیری از جرم باید معیارهایی دقیق را در بر داشته باشند که برای ارزیابی مفید باشند. این اهداف باید روشن، قابل درک، قابل اندازه‌گیری (در صورت امکان) و واقع‌بینانه باشند (به عنوان مثال قابل حصول باشند). ضمناً این اهداف باید در صورت امکان یک چارچوب زمانی را برای دوره اجرای برنامه تعریف نمایند. این اهداف باید به تمام شرکای برنامه منتقل و مورد پذیرش و موافقت آنها قرار گرفته باشند. بالاخره، برای اجتناب از سرسری شدن تلاش‌ها، باید محدودیتی در شمار اهداف مختلف تعیین شده برای یک برنامه وجود داشته باشد. این امر تا حد زیادی بسته به این خواهد بود که اهداف تا چه حدی مشابه و مکمل هم باشند. اما، در بسیاری از

موارد مشاهده می‌شود که نیروهای پلیس تمایل به ترکیب طیف متفاوتی از اهداف با هم در یک طرح داشته‌اند. پیشنهاد شده است که هیچ طرحی بیش از دو هدف اصلی نداشته باشد.

مرحله سوم) تعریف راهبردها و تاکتیک‌ها - "چگونه باید به هدف برسیم؟"
ماهیت برنامه و اهداف روشن بطور منطقی منجر به شناسایی راهبرد و تاکتیک‌های بالقوه بکار گرفته شده برای رسیدن به آن خواهد گردید.

مرحله چهارم) تعیین منابع - "چه کسی برنامه را اجرا و چه کسی هزینه آن را خواهد پرداخت؟"

پس از تعیین اهداف و تاکتیک‌های اجرای برنامه، لازم است که منابع اجرای برنامه از جمله بودجه و نیروی انسانی مشخص شود. در این مرحله به سبب محدودیت منابع ممکن است تجدیدنظر در منابع ضروری باشد.

مرحله پنجم) تعیین فرایند ارزیابی - "چگونه باید کاری را که انجام می‌دهیم، اندازه‌گیری کنیم؟"

پیش از اجرای برنامه، ضروری است که رویه‌هایی برای مراقبت از این امر که برنامه بطور جامع مورد ارزیابی قرار گیرد، برقرار شود. این وظیفه کوچکی نیست. لازم است مشخص شود که چه شاخص‌هایی باید برای ارزیابی برنامه مورد استفاده قرار گرفته و این امر به نوبت خود، شامل ارزیابی قابل دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز خواهد بود.

همچنین کسب اطمینان از این امر لازم است که سازمان و تشکیلات به نحوی مناسب است تا اجازه کسب و تجزیه و تحلیل داده‌ها و انتشار اطلاعات را از طریق فرایند نظارت و ارزیابی بدهد. در این خصوص توجه به چند نکته لازم است. نخست سطح یا سطوح ارزیابی است که در حال انجام است: به عنوان مثال، آیا ارزیابی باید در سطح کل نیروی پلیس انجام شود یا در سطح منطقه؟ مطلب دوم آن است که نیاز به یک بررسی در مورد سبک یا سنگین بودن ارزیابی وجود دارد؛ صاحب برنامه نیاز به توجه به این امر دارد که آیا نیاز به یک ارزیابی "سریع و سطحی" دارد که می‌تواند نتایج سریع اما مستعد خطا را ارائه کند، یا نیاز به یک ارزیابی "تدریجی و دقیق" دارد که دقیق‌تر بوده اما نیاز به مدت زمان طولانی‌تری دارد. مطلب سوم آن است که موضوع انتشار نتایج نیاز به بررسی دارد. این امر مسائلی مانند تعداد تکرار گزارش‌ها، میزان جزئی بودن آنها، به چه کسانی این گزارش‌ها ارسال شود و غیره. وظایف متنوع مندرج در این مرحله، اغلب بار سنگینی را بر دوش مدیران برنامه می‌گذارد و این خطر وجود دارد که این مرحله مورد غفلت واقع شده یا از آنها صرف‌نظر شود. باید مراقبت کافی به

عمل آمده و اطمینان حاصل شود که این مرحله مهم انجام شود و به عنوان جزئی تفکیک‌ناپذیر از برنامه به آن نگریسته شود. این مرحله به نحو جزئی‌تر در ذیل آمده است.

مرحله ششم) ارزیابی پیش از اجرای پروژه- "آیا برنامه ارزشمند خواهد بود؟"

به منظور آغاز کسب برخی برداشت‌ها از موفقیت‌های احتمالی برنامه، بررسی عواملی که ممکن است بر برنامه تاثیرگذار باشند، پیش از اجرای برنامه ضروری است. این مرحله موضوع انتظارات جرم و بودجه‌بندی جرم را شامل شده و ممکن است بررسی‌هایی در مورد عواملی مانند تأمین منابع، مسائل محیطی و محتوایی و ساختار نیروی انسانی را نیز در بر گیرد. با جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با مسائل مزبور، اتخاذ تصمیم منطقی در مورد احتمال موفقیت برای متولی برنامه امکان‌پذیر خواهد شد. این محور نیز از مواردی است که کار اندکی در مورد آنها انجام شده است.

مرحله هفتم) تصمیم‌گیری- "آیا برنامه را اجرا کنیم یا خیر؟"

در این مرحله صاحبان و مدیران برنامه می‌توانند تصمیم رسمی برای اجرا یا عدم اجرای برنامه اتخاذ کنند. ارزیابی پیش از اجرای برنامه می‌تواند علائمی روشن ارائه دهد که آیا احتمال موفقیت برنامه وجود داشته و برنامه باید اجرا شود یا اینکه برخی از اجرای برنامه باید مجدداً بررسی و اصلاح شود. به عنوان مثال، تاکتیک‌ها، منابع یا اهداف. ممکن است حتی پس از اصلاح نیز ارزیابی مقدماتی حاکی از آن باشد که احتمال موفقیت برنامه بسیار کم است که در این صورت ممکن است اجرای برنامه لغو شود. هر تصمیمی که اتخاذ شود، اگر این فرایند دنبال شود، تصمیم اتخاذ شده به عنوان یک تصمیم رسمی نگریسته خواهد شد که از ارزیابی پیش از اجرای برنامه کسب شده پیش از آنکه منابع زیادی در راه اجرای برنامه صرف شود.

مرحله هشتم) اجرای برنامه- "برنامه را اجرا کنیم"

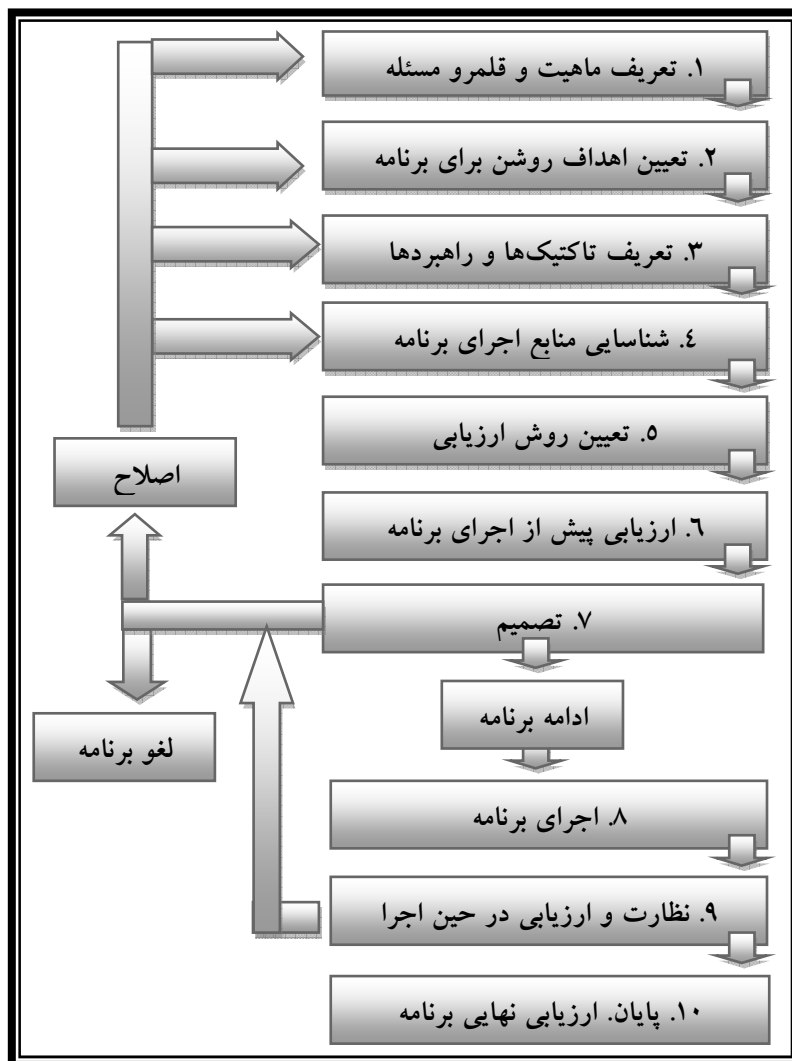
در صورتی که تصمیم بر ادامه برنامه باشد، برنامه می‌تواند بر اساس راهبردها و تاکتیک‌های اتخاذ شده قبلی و منابع مشخص شده، اجرا شود.

مرحله نهم) نظارت در حین اجرا- "چگونه انجام می‌دهیم؟"

در مورد دوره حیات یک برنامه قبلاً توضیح داده شد. برای شناسایی موقعیت فعلی یک برنامه، لازم است که روند اجرای برنامه بطور قاعده‌مند مورد نظارت قرار گیرد.

مرحله دهم) ارزیابی نهایی - "برنامه را چگونه انجام دادیم؟"

یک ارزیابی نهایی می‌تواند برای ارزیابی مجموع نتایج برنامه انجام شود، هر چند که اگر برنامه در طول حیات خود مورد سنجش قرار گرفته باشد، ارزیابی نهایی چندان عجیب نخواهد بود. از این نظر، ممکن است انجام نظرسنجی عمومی در مورد برداشت جامعه از موفقیت برنامه انجام شود. زمان ارزیابی نهایی بسته به مدت زمانی خواهد بود که آثار اجرای برنامه در آن مدت ظاهر شده و قابل اندازه‌گیری شود. در برخی موارد نتایج اجرای برنامه فوراً معلوم می‌شود در حالی که در برخی دیگر از موارد لازم است که ارزیابی برنامه مدت زمان بیشتر پس از خاتمه اجرای برنامه، ادامه پیدا کند (Berry and Carter, 1992, pp 26-29).



شکل شماره چهار- الگوی عملیاتی فرایند پیشگیری از جرم (Berry and Carter, 1992, p 29)

نتیجه

۱. نمی توان به صرف انجام اقدامات پراکنده و غیرمنسجم، توقع توفیق در پیشگیری از جرم را داشت، بلکه هر برنامه پیشگیرانه‌ای در صورتی قرین موفقیت خواهد بود که فرایندی منطقی و علمی در تکوین و اجرای آن رعایت شود.

۲. فرایند پیشگیری از جرم با هدف‌گذاری آغاز و با ارزیابی پایان می‌پذیرد. هدف‌گذاری صحیح و اولویت بندی مسائل جرم و همچنین بررسی راهکارهای مختلف و اجرای دقیق برنامه‌ها از اجزای فرایند پیشگیری از جرم هستند. و بالاخره ارزیابی برنامه‌ها و بازخوردگیری از مداخلات می‌تواند به تصحیح آنها کمک کند.

۳. خود فرایند پیشگیری از جرم را نیز نباید کلیشه‌ای تصور کنیم. مهم نیست که این فرایند را در چند مرحله تعریف کنیم بلکه مهم آن است که فرایند تعریف شده حداقل‌های اشاره شده را دارا باشد. بخصوص اگر توجه داشته باشیم که شرط اول موفقیت برنامه‌های اقتباس شده از جوامع دیگر، بومی‌سازی و انطباق آنها با امکانات و مقدرات و ویژگی‌های جامعه خودی است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، (۱۳۸۲). *مجموعه مقالات پیشگیری از جرم*، چاپ اول، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، تهران.

ب- خارجی

- 1-Australian Institute of Criminology (2002), *Preventing crime in Australia 1990 – 2002: a selected register of crime prevention projects*, obtained from: www.aic.gov.au.
- 2-Berry, Geoff & Mike Carter (1992), *Assessing Crime Prevention Initiatives: The First Steps*, Home Office Crime Prevention Unit, LONDON: HOME OFFICE.
- 3-Crowe, Timothy D (1991), *Crime Prevention Through Environmental Design*, Stoneham, MA: Butterworth-Heinemann.
- 4-Ekblom, Paul (2000), *Future Crime Prevention – a ‘mindset kit’ for the seriously foresighted*, Policing and Reducing Crime Unit; Home Office, London, U.K. Obtained from: www.crimereduction.gov.uk.
- 5-McNeill, Michael and Eloise E. Melvin (1997), *Crime Prevention Techniques*, revised by Robert B. Yow (2007), North Carolina Justice Academy, U.S.A.
- 6-Shaftoe, Henry (2002). *Social Crime Prevention – Interventions to Reduce the Motivation to Offend; Synopsis of Presentation at Tallinn City Council*, University of the West of England, Bristol, UK. Obtained from: www.uwe.ac.uk.
- 7-Stanwick, John (2001), *Early Childhood Crime Prevention- Implications for Policing*, Australian Centre for Policing Research, Obtained from: www.acpr.gov.au.
- 8-United Nations Office in Drugs and Crime (2004), *Promoting the Prevention of Crime: Guidelines and Selected Projects*. Obtained from www.un.org/English.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران»، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۶۴.

«اصول و مبانی نظریه فرصت جرم»، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۳.